

مسئولین محترم بگویم که هر مقداری که تلاش میکنند، کار میکنند، آن را باید دو برابر بکنند، آن را باید مضاعف کنند. ما امکانات زیادی داریم؛ وجود این توژم در کشور غیر منطقی است؛ سقوط ارزش پول ملی به این اندازه غیر منطقی است؛ باید اینها اصلاح بشود، و به امید خدا اصلاح خواهد شد.

۱۴۰۴/۱۱/۲۸

▼ حرف روز عوامل افزایش قیمت مواد غذایی

پس از جنگ تحمیلی ۴۰ روزه و آغاز سال کاری جدید، افزایش بی‌سابقه بهای مواد غذایی و محصولات کشاورزی به مهم‌ترین دغدغه معیشتی مردم تبدیل شد. در افکار عمومی، وزارت جهاد کشاورزی به عنوان متولی تنظیم بازار در جایگاه متهم ردیف اول قرار گرفته، اما بررسی ریشه‌های این گرانی نشان می‌دهد عوامل متعددی در این روند دخیل بوده و سهم این وزارتخانه در آن محدود است. ساختار وجودی وزارت جهاد کشاورزی اساساً بر تولید متمرکز است و تحمیل وظیفه تنظیم بازار به آن، بدون در نظر گرفتن سایر مؤلفه‌های اقتصادی، چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. نخستین عامل مهم در افزایش قیمت مواد غذایی، رشد هزینه‌های تولید است. افزایش قیمت نهاده‌هایی مانند کود، بذر، آفت‌کش‌ها و خوراک دام و طیور که وابستگی مستقیم به واردات، نرخ ارز و قیمت‌های جهانی دارند، در کنار افزایش هزینه‌های انرژی، انبارداری و حمل‌ونقل، قیمت تمام‌شده محصولات کشاورزی را به طور قابل توجهی افزایش داده است. از سوی دیگر، نوسانات نرخ ارز به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی، تأثیر مستقیمی بر قیمت کالاهای غذایی دارد و بسیاری از مواد اولیه و حتی محصولات داخلی که مرجع قیمتی جهانی دارند، با افزایش نرخ ارز با رشد قیمت مواجه می‌شوند. شرایط آب‌وهوایی و خشکسالی نیز از دیگر عوامل اثرگذار بر بازار محصولات کشاورزی است. کاهش تولید ناشی از کم‌آبی و مشکلات اقلیمی، در کنار ضعف در برنامه‌ریزی عرضه و مشکلات زنجیره توزیع، می‌تواند به کاهش عرضه و افزایش قیمت‌ها در بازار منجر شود. در این میان، وجود واسطه‌های سودجو و احتکارکنندگان در برخی حلقه‌های بازار، در کنار ضعف نظارت دستگاه‌های مسئول، از جمله عواملی است که به افزایش غیرمنطقی قیمت‌ها از مزرعه تا سفره دامن می‌زند. تورم عمومی اقتصاد نیز نقش مهمی در افزایش قیمت مواد غذایی دارد. در شرایطی که هزینه‌های تولید، دستمزد و حمل‌ونقل به طور مستمر افزایش می‌یابد، حتی ثابت ماندن قیمت برخی محصولات نیز نمی‌تواند مانع افزایش هزینه سبد غذایی خانوار شود. همچنین سیاست‌های قیمتی و یارانه‌ای، در صورت اجرای نامناسب، ممکن است به عدم تعادل در عرضه و تقاضا منجر شود و زمینه ایجاد رانت و فساد را فراهم کند. افزایش قیمت جهانی کالاهای اساسی مانند گندم، ذرت، روغن‌های خوراکی و شکر نیز بازار داخلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا رشد قیمت‌ها در بازارهای جهانی فشار بیشتری بر واردات و تولید داخلی وارد می‌کند.

مشکلات بانکی، محدودیت‌های تجاری، مقررات وارداتی و تحریم‌ها نیز با افزایش هزینه‌ها و طولانی شدن زمان تأمین کالا، بر قیمت مواد غذایی اثرگذار هستند. تحلیل واقع‌بینانه بازار مواد غذایی نشان می‌دهد گرانی محصولات کشاورزی نتیجه مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اقلیمی، مدیریتی و بین‌المللی است و نسبت دادن آن به یک نهاد مشخص، بدون توجه به این مؤلفه‌ها، نمی‌تواند تصویر دقیقی از واقعیت‌های اقتصاد غذا در کشور ارائه دهد.

[علی قاسمی]

▼ گزارش روز

جنوب لبنان؛ قتلگاه جاه‌طلبی‌های نظامی رژیم صهیونی

تحولات اخیر جنوب لبنان بار دیگر این پرسش را مطرح کرده است که آیا برتری فناورانه می‌تواند جایگزین مزیت‌های حاصل از تجربه، شناخت محیط عملیاتی و سازماندهی نامتقارن شود؟ ارتش رژیم صهیونی در سال‌های گذشته تلاش گسترده‌ای برای توسعه توان اطلاعاتی، پهپادی و سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی انجام داده و اکنون می‌کوشد این ظرفیت‌ها را در جبهه لبنان به کار گیرد. با این حال، نتایج میدانی نشان می‌دهد دستیابی به اهداف راهبردی در این جبهه همچنان با پیچیدگی‌های فراوانی همراه است.

پیشروی‌های محدود ارتش رژیم صهیونی در برخی محورهای جنوب لبنان را می‌توان بخشی از تلاش تل‌آویو برای ایجاد شرایط امنیتی جدید در مرزهای شمالی ارزیابی کرد. این راهبرد بر ترکیب اطلاعات لحظه‌ای، عملیات پهپادی و تحرکات زمینی استوار شده است. با وجود این، آنچه روند تحولات را برای رژیم صهیونی دشوار می‌کند، ماهیت خاص میدان نبرد در جنوب لبنان است؛ منطقه‌ای که طی دو دهه گذشته به یکی از پیچیده‌ترین عرصه‌های جنگ نامتقارن در غرب آسیا تبدیل شده است.

تجربه جنگ ۳۳ روزه همچنان یکی از مهم‌ترین نقاط مرجع در تحلیل رفتار دو طرف به شمار می‌رود. در آن جنگ، برتری هوایی و آتش سنگین نتوانست به دستاوردی متناسب با اهداف اعلام‌شده رژیم صهیونی منجر شود. امروز نیز اگرچه ابزارهای نظامی تغییر کرده‌اند، اما بسیاری از متغیرهای اصلی همچنان پابرجا هستند. جغرافیای جنوب لبنان، ساختار شبکه‌های مقاومت و دشواری تثبیت حضور در مناطق عملیاتی، همچنان از عوامل تعیین‌کننده محسوب می‌شوند.

در سوی دیگر میدان، حزب‌الله طی سال‌های گذشته تلاش کرده الگوی عملیاتی خود را با تحولات فناوری تطبیق دهد. استفاده از پهپادها، پراکندگی مراکز عملیاتی و انعطاف در شیوه واکنش، بخشی از تغییراتی است که باعث شده هزینه هرگونه پیشروی زمینی برای طرف مقابل افزایش یابد. به همین دلیل، ارزیابی موفقیت یا شکست عملیات‌ها صرفاً بر اساس میزان پیشروی جغرافیایی امکان‌پذیر نیست و باید توان حفظ دستاوردها را نیز در نظر گرفت.

واقعیت این است که رژیم صهیونی امروز نسبت به سال ۲۰۰۶ از امکانات اطلاعاتی و فناورانه گسترده‌تری برخوردار است؛ اما حزب‌الله نیز در این مدت ثابت نمانده است. همین موضوع موجب شده فاصله میان توان فناوری و نتیجه سیاسی یا نظامی مورد انتظار، همچنان قابل توجه باشد. به بیان دیگر، مسئله اصلی در جنوب لبنان صرفاً تصرف یک نقطه یا انجام یک عملیات نیست، بلکه تبدیل موفقیت‌های تاکتیکی به دستاوردهای پایدار راهبردی است؛ هدفی که رژیم صهیونی در تحقق آن همچنان ناکام بوده است.

[بهرام بختیاری]

▼ خبر ویژه

اختلاف در رأس موساد علنی شد

منابع رسانه‌های صهیونیست از بروز اختلافات در سطوح عالی سازمان جاسوسی موساد خبر داده و اعلام کردند که «رومن گافمن» رئیس جدید این سازمان، در نخستین اقدامات مدیریتی خود معاون و نفر دوم موساد را که با حرف اختصاری «آ» شناخته می‌شود، از سمتش برکنار کرده است؛ فردی که پیش از انتصاب گافمن از اصلی‌ترین گزینه‌های جانشینی «دیوید بارنیا» رئیس پیشین موساد به شمار می‌رفت. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، معاون برکنار شده از نزدیک‌ترین افراد به بارنیا بوده و مخالفت جدی خود را با انتصاب گافمن ابراز کرده بود. گافمن که پیش از این به‌عنوان مشاور نظامی بنیامین نتانیاهو فعالیت می‌کرد، در نهایت با حمایت نخست‌وزیر رژیم صهیونی به ریاست موساد رسید؛ این در حالی است که بارنیا تلاش داشت معاون خود را به‌عنوان جانشینش معرفی کند. منابع آگاه همچنین اعلام کرده‌اند مقام برکنار شده بیش از ۲۲ سال سابقه فعالیت در حوزه عملیات‌های مخفی داشته و فرماندهی سه بخش عملیاتی موساد را برعهده گرفته بود. وی در طول دوران خدمت خود پنج بار موفق به دریافت «جایزه امنیت اسرائیل» شده و از پرونده‌های مهم تحت مدیریت او، تلاش‌های موساد برای سرنگونی حکومت در ایران عنوان شده است.

تنگه هرمز و سایه نفت ۲۰۰ دلاری

در حالی که نگرانی‌ها درباره وضعیت بازار جهانی نفت و پیامدهای احتمالی اختلال در تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز افزایش یافته است، تازه‌ترین گزارش‌های منتشرشده از سوی مؤسسات مالی و انرژی نشان می‌دهد ذخایر نفتی جهان به سطحی حساس و نزدیک به کف عملیاتی خود رسیده است. بر اساس آمارهای بانک آمریکایی جی‌بی‌مورگان، ذخایر نفت جهان که سال ۲۰۲۶ را با حدود ۸,۴ میلیارد بشکه آغاز کرده بود، تا اواخر ماه جولای به حدود ۷,۵ میلیارد بشکه کاهش خواهد یافت. این روند در حالی ادامه دارد که ایالات متحده طی ماه‌های اخیر بخش قابل توجهی از ذخایر راهبردی خود را آزاد کرده و سطح این ذخایر به پایین‌ترین میزان در بیش از چهار دهه گذشته رسیده است. خلوپر بلاس، تحلیلگر ارشد بلومبرگ، در این باره نوشت: «سطح ذخایر راهبردی آمریکا حتی از دوران بایدن نیز پایین‌تر خواهد رفت.» در مقابل، فاتح بیرو، مدیر آژانس بین‌المللی انرژی، معتقد است: «نفت کافی در بازار وجود دارد و چالش اصلی به مسائل لجستیکی و جابه‌جایی مربوط می‌شود.» با این حال، مارک ورث، مدیرعامل شورون، هشدار داده است: «ذخایر نفت جهان به‌طور مستمر در حال کاهش است و ژوئن و جولای ماه‌های بحرانی خواهند بود.» همزمان برخی تحلیلگران هشدار می‌دهند در صورت تداوم اختلال در تنگه هرمز، قیمت نفت می‌تواند به سطوح بی‌سابقه‌ای نزدیک شود و حتی از مرز ۲۰۰ دلار در هر بشکه عبور کند؛ موضوعی که بار دیگر اهمیت این گذرگاه راهبردی را در معادلات انرژی جهان برجسته کرده است.

بریکس در مرکز معادلات جدید انرژی جهان

کاظم جلالی، سفیر کشورمان در فدراسیون روسیه، با تأکید بر نقش روبه‌گسترش کشورهای عضو بریکس در معادلات جهانی انرژی، اعلام کرد که امنیت انرژی جهان بیش از هر زمان دیگری به ظرفیت‌ها و همکاری‌های کشورهای جنوب جهانی وابسته شده و اعضای بریکس در این میان جایگاهی تعیین‌کننده دارند. وی در نشست «همکاری‌های انرژی و امنیت انرژی در چارچوب بریکس» با اشاره به تحولات ژئوپلیتیکی و اقتصادی جهان اظهار داشت: «امنیت انرژی جهان تا حد زیادی در کشورهای جنوب جهانی، به‌ویژه در میان اعضای بریکس، رقم می‌خورد و این کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای در این عرصه دارند.» جلالی با بیان اینکه تنش‌های ژئوپلیتیکی، اختلال در زنجیره‌های تأمین، نوسانات بازارهای جهانی و افزایش تقاضا در اقتصادهای نوظهور، امنیت انرژی را به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ثبات و توسعه جهانی تبدیل کرده است، افزود: «امنیت انرژی صرفاً به معنای دسترسی به منابع انرژی نیست، بلکه امنیت عرضه، تقاضا، سرمایه‌گذاری، فناوری، زیرساخت‌ها و امنیت مالی را نیز دربر می‌گیرد.» سفیر ایران در روسیه همچنین خواستار گسترش همکاری‌های اعضای بریکس در حوزه انرژی شد و تأکید کرد: «انرژی باید عامل توسعه، رفاه و تولید باشد و نه ابزاری برای اعمال فشار سیاسی.» وی توسعه کریدور بین‌المللی شمال - جنوب، تقویت زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیک، گسترش همکاری‌های بندری و اتصال شبکه‌های انرژی میان کشورهای عضو را از مهم‌ترین الزامات ارتقای امنیت انرژی دانست و تصریح کرد: «جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو بریکس و یکی از تولیدکنندگان مهم انرژی، نقش سازنده و مؤثر خود را در تحقق عدالت و امنیت انرژی جهانی ایفا خواهد کرد.»

آمریکا در جنگ با ایران گیر افتاده است

کریس مورفی، سناتور آمریکایی، با انتقاد از رویکرد نظامی واشنگتن در قبال ایران، تأکید کرد که پیامدهای جنگ با ایران از پیش برای مقامات آمریکایی قابل پیش‌بینی بوده و دولت دونالد ترامپ با نادیده گرفتن ارزیابی‌های امنیتی و اطلاعاتی وارد مسیری شد که اکنون آمریکا را در شرایطی دشوار قرار داده است. مورفی با اشاره به وضعیت کنونی تنش‌ها اظهار داشت: «تمامی روسای جمهور آمریکا درباره پیامدهای اقدام نظامی علیه ایران توجیه شده بودند.» وی افزود: «دو نکته به همه آن‌ها گفته شده بود؛ نخست اینکه ایران تنگه هرمز را خواهد بست و اقتصاد جهانی را با اختلال مواجه خواهد کرد و دوم اینکه صرفاً با یک کارزار هوایی نمی‌توان برنامه هسته‌ای ایران را نابود کرد، همه موشک‌ها را از بین برد یا تمامی پهپادهای آن را حذف کرد.» این سناتور آمریکایی با بیان اینکه واشنگتن اکنون در وضعیتی گرفتار شده که از قبل قابل پیش‌بینی بود، تصریح کرد: «ما در شرایطی گیر افتاده‌ایم که تنگه هرمز بسته است و ایران بر این باور است که قوی‌ترین حمله ما را تحمل کرده و دوام آورده است.» مورفی همچنین با استناد به گزارش‌های عمومی مدعی شد: «ایران همچنان حدود ۷۰ درصد از ذخایر موشکی خود را در اختیار دارد.» وی در ادامه انگشت اتهام را به سوی بنیامین نتانیاهو نشانه رفت و گفت: «شاید به این دلیل که نتانیاهو ترامپ را متقاعد کرده بود که سقوط سریع حکومت در ایران رخ خواهد داد و یک دولت طرفدار آمریکا و طرفدار اسرائیل جایگزین آن می‌شود، او چنین منطق نادرستی را پذیرفت.»

◀ رسانه آمریکایی سی‌بی‌اس گزارش داد که مردم آلبانی برای هفتمین روز متوالی در اعتراض به پروژه توسعه یک استراحتگاه یک میلیارد دلاری مرتبط با جرد کوشنر، داماد دونالد ترامپ، به خیابان‌ها آمدند. معترضان این حرکت را «انقلاب فلامینگو» نام‌گذاری کرده و فلامینگوی صورتی را نماد حیات‌وحشی دانسته‌اند که به گفته آنان با اجرای این طرح در معرض نابودی قرار می‌گیرد. کوشنر قصد دارد جزیره سازان در سواحل آدریاتیک را به یک مقصد گردشگری لوکس تبدیل کند.

◀ علی نیکزاد، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، با تأکید بر اهمیت راهبردی تنگه هرمز گفت: «تنگه هرمز الطاف خفیه الهی برای جمهوری اسلامی است و از بمب اتم هم برای ما مهم‌تر است.» وی افزود: «جمهوری اسلامی اجازه بازگشت وضعیت تنگه هرمز به شرایط پیش از جنگ را نخواهد داد.» نیکزاد همچنین اظهار داشت: «طرف مقابل ۵۰۰۰ بمب اتمی در اختیار دارد، در حالی که جمهوری اسلامی هیچ‌گاه از این سلاح استفاده نکرده است.»

◀ اسکندر مومنی، وزیر کشور، در دیدار با سید محسن نقوی، همتای پاکستانی خود، از توافق دو کشور برای افزایش حجم مبادلات اقتصادی از ۳ به ۱۰ میلیارد دلار خبر داد. وی با اشاره به روابط «دوستانه و برادرانه» تهران و اسلام‌آباد گفت: «امنیت مرزها، مبارزه با مواد مخدر و مقابله با تروریسم از محورهای همکاری دو کشور است.» مومنی همچنین از نقش پاکستان در «میانجی‌گری برای کاهش تنش میان ایران و آمریکا» قدردانی کرد. وزیر کشور پاکستان نیز اعلام کرد: «پیام ویژه‌ای از سوی مقامات کشورم برای رهبر معظم انقلاب اسلامی به تهران آورده‌ام.»

◀ یوهان کونرات، تحلیلگر امور ژئوپلیتیک، با انتقاد از عملکرد دونالد ترامپ در قبال ایران، از شکست وی در تحقق اهدافش سخن گفت. این تحلیلگر هلندی در پیامی در فضای مجازی نوشت: «دونالد ترامپ تمام دوران ریاست جمهوری خود را روی هوش مصنوعی و ایران شرط بست و هر دو شرط را باخت.»

◀ توماس مسی، نماینده جمهوری‌خواه کنگره آمریکا، با انتقاد از حمایت‌های مالی واشنگتن از رژیم صهیونی، ادعاهای دونالد ترامپ درباره مخالفت با جنگ لبنان را «حرف‌های بی‌محتوا» توصیف کرد. وی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «فقط به مدت یک ماه کمک‌های خارجی به اسرائیل را قطع کنید؛ آنها بمباران همسایگان خود را متوقف می‌کنند، صلح فوری برقرار می‌شود، تنگه هرمز باز می‌گردد و قیمت بنزین ۲ دلار در هر گالن کاهش می‌یابد.»